

مخالفین	011 2671-6887-6888 تهران، ایران
پراکنش و توزیع	پراکنش و توزیع: تهران، ایران
پشتیبانی	پشتیبانی: تهران، ایران
مطالعه	مطالعه: تهران، ایران
مطالعه	مطالعه: تهران، ایران
مطالعه	مطالعه: تهران، ایران
مطالعه	مطالعه: تهران، ایران
مطالعه	مطالعه: تهران، ایران
مطالعه	مطالعه: تهران، ایران
مطالعه	مطالعه: تهران، ایران
مطالعه	مطالعه: تهران، ایران

از سری «خودکاوی»

تضادهای درونی ما



تشریح سازآینده

نویسنده: کارن هورنای

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه



www.behjatipublication.com
info@behjatipublication.com

علاقه‌ها را بشناسد و تا آنها	۶۶۱
رساند علاقه‌ها را بشناسد و تا آنها	۶۶۱
تشیخه‌ها را بشناسد	۵۶۱
مقدمه ۱. خواجه نوری	۵۵۱
تشیخه‌ها را بشناسد	۱۲۱

با نهایت خوشحالی و امیدواری می‌بینیم که هزینه مربوط به روانشناسی و خودشناسی است با عطرش و ولع مخصوصی در جامعه ما استقبال می‌شود و این اشتیاق و عطرش در مقایسه با بعضی از جامعه‌های (به قول خودشان پیش افتاده) - حتی آنهایی که نود درصد مردمشان باسوادی - خیلی زیادتر است. شاید بشود این موهبت را نتیجه فرهنگ باستانی ایران و تعالیم یک قسمت از روشن بینی های عرفان و تصوف (که همه قسمت‌های آن) دانست ولی معتقدیم به نظر من خطر بزرگی مردم

فهرست

۵	مقدمه ۱. خواجه نوری
۹	مقدمه مترجم
	قسمت اول
۱۷	منشأ و علت بروز ناراحتی‌ها و مشکلات روانی
۱۹	تضادهای عصبی
۳۹	مهرطلبی
۵۵	برتری طلبی
۶۳	عزت‌گزینی
۷۷	خود ایده‌آلی
۹۷	تعکس
۱۰۹	تعادل تصنعی و سطحی

قسمت دوم

۱۲۱	اثرات و عوارض ناشی از تضاد
۱۲۳	ترس‌های ناشی از تضاد اساسی
۱۳۵	تضعیف شخصیت
۱۵۵	یأس
۱۶۱	تمایلات سادیستی

مقدمه ا. خواجه نوری

با نهایت خوشبختی و امیدواری می‌بینیم که هرچه مربوط به روانشناسی و خودشناسی است با عطش و ولع مخصوصی در جامعه ما استقبال می‌شود، و این اشتیاق و عطش در مقایسه با بعضی از جامعه‌های (به قول خودشان پیش افتاده) - حتی آنهایی که نود درصد مردمشان باسوادند - خیلی زیادتر است. شاید بشود این موهبت را نتیجه فرهنگ باستانی ایران و تعالیم یک قسمت از روشن بینی های عرفان و تصوف (نه همه قسمت‌های آن) دانست. ولی معذک به نظر من خطر بزرگی مردم مفتون تمدن غرب را تهدید می‌کند که علل آن را در دو چیز می‌شود خلاصه کرد. یکی اینکه در غالب کشورها به خصوص کشورهای نظیر ما، فعلاً توجهی که به آموختن علوم مادی می‌شود، صد برابر توجهی است که به علوم انسانی (یعنی دانش و فنون آدم سازی) می‌نمایند. به این معنی که آموزش را فقط این می‌دانند که مقداری حساب و هندسه و سایر علوم مادی را با تلمیه به مغز افراد فرو کنند. ولی آنچه موجب خوشبختی انسان‌ها است، یعنی علم خودشناسی و نوعدوستی و آدم مفیدی برای خود و جامعه شدن، مورد توجه زیاد نیست. حال آنکه بدون تردید توسعه علوم و آموختن آنها مآلاً یک منظور بیشتر نباید داشته باشد، و آن توسعه خوشبختی بشر است، که فعلاً نتیجه‌اش در بسیاری از موارد معکوس شده، برای اینکه بدون توضیح زیاد خطر مهلک این روبه کاملاً مشخص شود فقط کافی است به نقل آمار گویا و مختصری از یکی

۱۲۱	اثرات و عوارض ناشی از تضاد
۱۲۳	ترس‌های ناشی از تضاد اساسی
۱۳۵	تضعیف شخصیت
۱۵۵	یأس
۱۶۱	تمایلات سادیستی

www.bahjatpublison.com
info@bahjatpublison.com

از پیشرفته‌ترین کشورها اکتفا کنیم. در کشور دول متحده آمریکا به موجب آماري که متخصصین خودشان داده‌اند در هر چهار خانواده یکی از آنها مبتلا به ناراحتی‌های روحی شناخته شده است. در هر ۷۲ دقیقه یک قتل واقع می‌شود - در هر ساعت ۱۵ جنایت فجیع اتفاق می‌افتد - در هر ساعت ۷ دزدی مختلف باضافه ۲۶ سرقت اتومبیل دیده می‌شود - و چیزی که بیش از همه برای خودشان موجب تعجب و نگرانی شده این است که از هر ۴۳ کودک یکی پرونده پلیسی دارد. و این حکایت بر آن می‌کند که جنایات جوانان روز بروز به شدت زیادتر می‌شود. از هر سه ازدواج یکی منجر به طلاق و جدایی می‌گردد و غیره و غیره. متأسفانه آمار غالب کشورهای مرفعی هم امید بخش‌تر از آمار نامبرده نیست. خوب، طبیعتاً مردم جامعه‌هایی که به علت ترقیات حیرت انگیز علوم مادی، مسحور و مفتون پیشرفتهای غیر قابل انکار این قبیل کشورها می‌گردند، خودبه‌خود اکثر عادات و اطوار آنها را نیز جذب و تقلید می‌کنند و خوب و بد آنها را توأم می‌پذیرند. چنانکه متأسفانه شواهد و قراین زیادی از این نوع تقلیدها در بین مردم متمدن ما آغاز شده که هر روز بیشتر می‌گردد. علت دوم، توقعات بجا و بیجایی است که در نتیجه دیدن این پیشرفتهای و همچنین شکسته شدن قالبهای سنن قدیم با برخورد تمدن غرب، ایجاد می‌شود، و آن وقت چنان کشمکش درونی شدیدی در روح اشخاص این عصر ایجاد می‌کند که اکثرشان ناراضی، انتقام جو و عاصی می‌گردند. سرعت تأثیر این نابسامانی‌ها به قدری است که مدارس نامجهز ما به تنهایی قادر به جلوگیری آن نیستند. پس چاره دیگر را باید در مهمترین و مؤثرترین مدرسه آدم سازی، یعنی خانواده، به خصوص «مکتب محبت مادر» جستجو کرد و هرچه بیشتر مطالب مربوط به آدم‌شناسی و آدم‌سازی را به درون خانواده‌ها راه داد.

اشتیاق به نشر کتب روانشناسی که با شیوه و اسلوب سهلی رموز روانی انسان را به خودش می‌شناساند، (از قبیل کتاب حاضر) موجب بسی امیدواری است. و اگر در ضمن اشاعه این نوع مطبوعات، مؤسسات ملی یا دولتی بوجود آیند که تمام هم خود را منحصراً متوجه آموزش و پرورش اولیا و مربیان کنند و به وسایل متعدد سمعی و بصری و نشریات ساده و مخصوص مطالب مربوط به خودشناسی و آدم شناسی را به سهولت در افراد تلقین نمایند شاید بشود تا هنوز آلودگی مردم ما - به علت کم سوادی - زیاد نشده، از این مصیبت جلوگیری کرد. کتاب حاضر مثل تمام نوشته‌های دکتر هورنای یکی از آن وسایل است. چون ممکن نیست آدم سالم العقل و سالم الاحساس خود شناخته‌ای، آدم خوب و مفیدی برای جامعه نباشد، و مسلماً وقتی اکثریت اولیا و مربیان ما با مطالعه این قبیل کتب و همت مؤسسات فوق الذکر، به این رموز آشنا شوند، روح اطفال را طوری قالب‌گیری می‌کنند که خودبه‌خود در مقابل این مضار خطرناک مصونیت پیدا خواهند کرد. در اینجا است که از استقبال قابل تمجیدی که نسبت به این قبیل مطالب در جامعه ما دیده می‌شود باید صمیمانه اظهار امیدواری کرد. من با بی‌صبری آرزو می‌کنم و امیدوارم مؤسسات «تربیت اولیا و مربیان» هر چه زودتر در کشور ما هم بوجود آید.

در خاتمه باید از آقای مصفا که چند سال است با جدیت و اعتقاد به رواج این مطالب کوشیده و بنا به خواهش من به ترجمه این کتاب همت گماشته تشکر کنم و توفیقش را در این قبیل خدمات اساسی آرزو نمایم. با اعتقاد صادقانه خواندن این کتاب را به تمام طالبان خودشناسی توصیه می‌کنم.